



ACCIDENTAL MARK

مترجم: Ah Xia

این ترجمه متعلق به سایت مای انیمه می باشد ؛
کپی و نشر آن به هر نحوی ، حتی با ذکر منبع ممنوع است !
فقط و فقط فایل اصلی را از مای انیمه دریافت کنید .

فصل دوم

[بازیکن پی شائوزه، به دنیای رمان «مارک تصادفی» خوش اومدید.]

[هدف سیستم انتقال به کتاب: محبوبیت قهرمان رمان رو بالا ببرید و اجازه بدید برداشت خوب قهرمان از شما، به 100 امتیاز برسه.]

[قهرمان داستان چنگ شیا، آنلاینه. اون تو دوره هیتشه¹ و در مقابل هر کاری که باهاش انجام بدید مقاومت نمی کنه.]

¹ دوران هیت امگاها تقریباً مثل پرپود دخترهاست، ضعیف و تحریک پذیر میشن و امیال جنسایشون چند برابر میشه. اون زمان نباید دوروبر آلفاها باشن و باید با دارو سرکوب و کنترلش کنن

آلفاها هم تقریباً یه همچین دوره ای به اسم رات دارن

اعلان های مکانیکی دوباره در ذهنش ظاهر شد. این باعث شد که پی شاوزه بالاخره به یاد بیاورد که چرا کلمات امگا، فرمون و چنگ شیبا انقدر آشنا بودند.

دنایای یک رمان...

امروز در راه هتل، خواهرش گفت که کتابی به نام مارک تصادفی خوانده است. شخصیتی در رمان، پی شاوزه نیز نام داشت. او هم اسمش بود و همچنین صاحب یک شرکت سرگرمی مانند او بود.

او به کتابی که خواهرش می خواند علاقه ای نداشت و از او جزئیات بیشتری نپرسیده بود. فقط می دانست که این رمان «امگا ورس» است. قهرمانی که در کتاب پی شاوزه نام داشت، یک آلفا بود و قهرمان دیگر آن، چنگ شیبا نام داشت.

بعد از مستی چند قرص خواب آور خورد و ناگهانی به دنیای رمان مهاجرت کرد؟

آیا صدای مکانیکی در ذهنش سیستمی بود که بازیکنان را هدایت می کرد؟

پی شاوزه به سرعت آرام شد و در ذهنش صحبت کرد. «من خیلی سرم شلوغه و زمانی برای انجام این بازی خسته کننده ندارم. بازیکن دیگه ای رو انتخاب کن؛ میخوام برگردم.»

سیستم 1022 قبل از اینکه جدی توضیح دهد، یک لحظه لال شد، [متاسفم، سیستم انتقال بخ کتاب، به پخش کننده محدود شده و پخش کننده‌ی انتخاب شده، حق لغو اکانت رو نداره! شما نمی تونید به دنیای اصلیتون برگردید، مگه اینکه ماموریتتون رو تو این دنیا کامل کنید.]

پی شاوزه اخم کرد. ماموریت؟ به عبارت دیگر، یعنی اگر برداشت خوب چنگ شیا از او به 100 امتیاز برسد، میتواند برگردد؟ او قبل از اینکه این را زمزمه

کند، لحظه ای به آن فکر کرد: «باشه، ولی من رمان اصلی و نخوندم. لطفا هماهنگ کنید.»

سیستم 1022 بلافاصله پاسخ مثبت داد. [مشکلی نیست! از اونجایی که بازیکن در حال حاضر تو دوره حفاظت از افراد تازه وارده و رمان اصلی رو نخونده، سیستم می تونه متن کامل رمان رو برای خوندن بازیکنان باز کنه. الان می خواید اون و بررسی کنید؟]

یک صفحه شناور شفاف و یک دکمه "کتاب" در مقابلش ظاهر شد.

پی شاوزه کتاب را باز کرد و به سرعت متنش را اسکن کرد.

رمان مارک تصادفی، یک رمان سوء استفاده از قدرت بود. قهرمان داستان پی شاوزه، یک نسل دوم ثروتمند معمولی و رئیس فعلی شرکت سرگرمی معروف "تیانشوان اینترتینمنت" بود. او مخفیانه از امگایی که با او بزرگ

شده بود، لین چیانشو، خوشش می آمد. لین چیانشو نور چشمی قلبش بود. اما متأسفانه با کسی نامزد کرده بود و در حال تحصیل در خارج از کشور بود.

درست در آن زمان، چنگ شیا در مقابلش ظاهر شد. چنگ شیا از یک خانواده معمولی بود و با تلاش خودش در آکادمی بازیگری پذیرفته شده بود. پس از کشف شدن توسط یکی از کارمندان شرکت، او با تیانشوان اینترتینمنت² قرارداد امضا کرد. در طول جلسه سالانه شرکت، او با رئیسش پی شاوزه ملاقات کرد. به دلیل ظاهر برجسته و ظریفش، پی شاوزه اغلب در طول جلسه سالانه به چنگ شیا نگاه می انداخت.

مسئول³ چنگ شیا که مشتاق موفقیت سریع خودش بود، فکر می کرد که رئیس پی به چنگ شیا علاقه مند است. برای اینکه چنگ شیا به سرعت محبوب شود، او نقشه ای ریخت و بعد از مهمانی، یک تحریک کننده فرمون قوی را به نوشیدنی چنگ شیا اضافه کرد. سپس چنگ شیا گنج و تحریک شده را به تخت رئیس پی فرستاد.

² شرکت سرگرمی تیانشوان : TianXuan Entertainment

³ منیجر نه ها ... این یارو مسئول یه گروه از بازیگرای تازه کاره و کارش آموزش دادن به اوناست و بازیگرا یک یا چنگ منیجر جدا دارن

پی شائوزه تحت تاثیر فرمون های از کنترل خارج شده اشان، به زور چنگ شیا را مارک⁴ کرد. از آنجایی که چنگ شیا را دوست نداشت، چنگ شیا را بازبچه ای می دانست که تنها برای سرگرمی به خانه اش فرستاده شده است. هیچ ملایمتی نسبت به چنگ شیا در رفتارش نداشت و روند مارک کردنش بسیار خشن بود. حتی قسمتی از بدن چنگ شیا به دلیل پاره شدن خونریزی داشت.

روز بعد، پی شائوزه هیچ نگرانی ای از خود برای چنگ شیای مجروح نشان نداد و سرد از راننده اش خواست که او را به بیمارستان برساند.

در طی روزهایی که چنگ شیا در بیمارستان بستری بود، پی شائوزه هرگز برای عیادت چنگ شیا نیامد.

⁴ امگایی که توسط یه آلفا مارک شه ، تحت مالکیت اون آلفا قرار میگيره ، بوی اون آلفا رو میده و وابستگی و شیفتگی عمیقی نسبت به اون پیدا میکنه ؛ حتی ممکنه ازش حامله شه . . حالا من زیاد نمیدونم شاید شما بیشتر میدونین حیاحی

مسئول چینگ‌شیا متوجه نارضایتی رئیس پی شد و می‌ترسید که کارش تضمین نشود. بنابراین، او تمام گناهان خود را به گردن چنگ‌شیا انداخت و اظهار داشت که چنگ‌شیا ابتکار عمل را به دست گرفته است تا تحریک‌کننده فرمون‌ها را برای اغوای رئیس پی به دست آورد. او حتی شواهدی دروغین تهیه کرد که چنگ‌شیا این دارو را خریده است.⁵

پی شائوزه حتی بیشتر از چنگ‌شیا منزجر شد، اما نمی‌خواست اجازه دهد امگایی که لمس کرده بود، وارد آغوش دیگران شود. بنابراین، پی شائوزه تصمیم گرفت چنگ‌شیا را به عنوان حیوان خانگی در کنار خود نگه دارد.⁶ رویای چنگ‌شیا این بود که روزی به یک بازیگر عالی تبدیل شود. اما این مارک غیرمنتظره، برنامه‌های او را کاملاً به هم زد. پس از مارک شدن، او به پی شائوزه وابستگی شدید فیزیکی پیدا کرد. همراه با فریب مسئولش و قول پی شائوزه، چنگ‌شیا که چیز زیادی از جهان نمی‌دانست خام شد و با درخواست رئیس پی موافقت کرد.

⁵ مرتیکه چوفیوز !

⁶ مرتیکه چوفیوزتر !

از آنجایی که چنگ شیا بسیار خوش چهره و مطیع بود، پی شاوزه به تدریج با چنگ شیا مهربان شد. چنگ شیا شیفته این حساسیت کاذب شد و عاشق پی شاوزه شد. او از رویای بازیگری خود دست کشید و در کنار رئیس پی ماند و هر روز برای او آشپزی کرد و با حساسیت، از زندگی رئیس پی مراقبت می کرد.

پس از سه سال، لین چیان شو به چین بازگشت. حال و هوایش پس از جدایی از نامزدش بسیار بد بود، بنابراین پی شاوزه را یک لاستیک زاپاس دانسته و به او روی آورد. نگرش پی شائوزه بلافاصله 180 درجه تغییر کرد و او دیوانه وار شروع به تعقیب نور چشمی قلبش کرد.

عکس های صمیمانه پی شاوزه و لین چیان شو به زودی توسط پاپاراتزی ها با نقشه لین چیان شو پخش شد. چنگ شیا بالاخره فهمید شخصی که پی شائوزه همیشه دوستش داشت، لین چیان شو بود. با اینکه غمگین بود، نمی خواست

بیشتر از این خودش را شرمنده کند. بنابراین، وسایلش را جمع کرد و می خواست از ویلای پی شاوزه دور شود.

پی شائوزه از رفتن چنگ شیا امتناع کرد. او به ماندن با چنگ شیا عادت کرده بود و طاقت رها کردن مرد جوانی که شیفته او بود را نداشت. بنابراین، پی شائوزه چنگ شیا را زندانی کرد.

چنگ شیا در دوران حبسش، هر روز دچار اختلالات روحی و روانی می شد و مورد تجاوز و آزار و اذیت قرار می گرفت. پی شاوزه برق جوانی محو شده را در چشمان او دید و اذیت هایش به دلیل وحشت، منحرف تر شد...

در همان زمان، او یک رابطه به ظاهر عاشقانه با لین چیان شو که به نظرش "عشق واقعی" اش بود، شروع کرد.

چنگ شیا شکنجه شد و به شدت مجروح شد. پی شاوزه در نهایت مجبور شد او را به بیمارستان ببرد. در طول راه به بیمارستان، او بالاخره این فرصت را

پیدا کرد تا با کمک یک پزشک از زیر دماغ پی شاوزه فرار کند و در حومه شهر پنهان شد.

با این حال، لین چیانشو او را رها نکرد. لین چیانشو متوجه شد که پی شاوزه به طور خاص نگران چنگ شیا است، بنابراین ایده ای برای نابود کردن کامل چنگ شیا به ذهنش رسید. او یک ویدیوی فوق خصوصی را که توسط دوربین‌های نظارتی ضبط شده بود، برای تیم روابط عمومی ارسال کرد و تیم روابط عمومی چنگ شیا را بدنام و روسیاه کرد.

طولی نکشید که عکس‌های زشت چنگ شیا در سراسر اینترنت پخش شد. در این عکس‌ها، چهره چنگ شیا بسیار واضح بود و او همیشه فعالانه قصد و غوای پی شاوزه را داشت. در حالی که پی شاوزه، همیشه سرد و بی حوصله به نظر می‌رسید.

لین چیانشو یک امگا با شخصیت «تحصیل‌کرده، با استعداد، ملایم و ظریف» در اینترنت بود. او از یک مدرسه معتبر با مدرک کارشناسی ارشد فارغ

التحصيل شد و برند طراحی لباس خود را تأسیس کرد. او طرفداران بی شماری داشت و تنها چند ثانیه طول کشید تا چنگ شیای ناشناس را سرنگون کند. با دیدن این موضوع، طرفداران و ارتش آبی‌ای (بدگو و هیتر) که او خریداری کرد، بلافاصله حساب کاربری چنگ شیای در ویبو⁷ سرازیر شدند تا به شدت به او فحش دهند.

«یه بازیگر سیاه‌لشکر جرأت می کنه رئیس و اغوا کنه!»

«بی شرم!»

«چیانشوی ما معشوقه دوران بچگی رئیس پیه. تو دیگه چه سگی هستی؟!»

سرزنش کاربران اینترنت مانند چاقو قلب چنگ شیای را برید و او با درد حساب ویبو خود را حذف کرد. با این حال، هیتر و ساسنگ‌ها بدتر بودند. آنها آدرس خانه او را فاش کردند و شخصی عکس‌های زشت و یک موش مرده را به نام لین چیانشو به خانه اش فرستاد.

⁷ Weibo: یه اپلیکیشن چینی که با توییتر در رقابته

پدر چنگ شیا جعبه پیک را باز کرد و به قدری عصبانی بود که درجا دچار سکته قلبی شد و به بیمارستان فرستاده شد.

چنگ شیا این خبر را دریافت کرد و وحشت زده به بیمارستان رفت. در این زمان، پی شاوزه تماس گرفت و به سردی گفت: «این تو بودی که اول من و اغوا کردی. من تحت تاثیر فرمون‌های تو قرار گرفتم و نتونستم خودم و کنترل کنم. این فقط یه تصادف بود. چنگ شیا، من هرگز تو رو دوست نداشتم. تو فقط توله سگی بودی که من بزرگش کردم.»

صورت چنگ شیا رنگ پریده بود و انگار داخل یک انبار یخ افتاده بود. او یک ژاکت نازک پوشیده بود و در یک شب زمستانی، تا دیر وقت در راهرو ایستاده بود، خون در رگ‌هایش تقریباً یخ زده بود. آن روز، روز تولد 22 سالگی او بود.

در نهایت پدرش نتوانست نجات پیدا کند و در اتاق عمل جان باخت. دو روز بعد، مادرش هم از شدت اندوه درگذشت.

چنگ شیا به شدت مضطرب بود. او به گورستان رفت تا خاکستر پدر و مادرش را بدرقه کند. او پی شائوزه و لین چیانشو را دید که دست در دست هم دیگر اند و آمده بودند تا قبر پدر بزرگ پی شائوزه را که سال ها پیش مرده بود، تمیز کنند. سپس پی شائوز به آرامی انگشتی را در دست لین چیانشو کرد...

در آن لحظه، چنگ شیا بالاخره به طور کامل از خواب بیدار شد. پی شائوزه هرگز او را دوست نداشته بود. در طول سه سال گذشته، تمام مهربانی هایش فقط یک توهم بود. او برای پی شائوزه ابزاری بود که خواسته های منحرفانه اش را تخلیه کند، سگی بود که توسط پی شائوزه بزرگ شده بود! چنگ شیا از زمانی که عاشق پی شائوزه شد، رویای خود را رها کرد و حتی باعث شد پدر و مادرش یکی پس از دیگری بمیرند! برای او، شاختن پی شائوزه، آغاز همه بدشانسی هایش بود.

چنگ شیا مقابل عکس والدینش سوگند یاد کرد. یک روز، او پی شائوزه و لین چیانشو را وادار می کرد که این بدهی را با خون خود پس دهند!

پس از اینکه پی شائوز و لین چیانشو اعلام کردند که با هم ازدواج می کنند، چنگ شیا به خارج از کشور رفت، نام خود را تغییر داد و از صفر، شروع و سخت کار کرد.

نیمه دوم رمان، به طور ناگهانی سبکش تغییر کرد و به مسیر جالب "انتقام چنگ شیا" تبدیل شد. چنگ شیا از یک ستاره ناشناخته به یک ستاره بین المللی تبدیل شد. پس از بازگشت به چین، برنامه ریزی کرد که دوباره با پی شائوزه ملاقات کند. پی شائوزه جذب چنگ شیای زیبا و خیره کننده شد و تنها پس از آن بود که متوجه شد، شخصی که بیشتر دوستش دارد چنگ شیا است. او آنقدر بی شرم بود که می خواست به سمت چنگ شیا بازگردد.

چنگ شیا عمدا او را پذیرفت و رابطه نزدیکی برقرار کرد. چنگ شیا پی شائوزه را به خوبی می شناخت. این آلفا وقتی دیگران او را دوست داشتند،

دوستشان نداشت، پس نمی توانست وقتی دیگران او را دوست نداشتند، زانو
نزند و زمین را برای جلب محبتشان لیس نزند.

چنگ شیا از شیفتگی پی شاوزه استفاده کرد تا ابتدا شواهدی را برای افشای
سرقت ادبی آثار لین چیانشو جمع‌آوری کند که باعث فروپاشی شخصیت لین
چیانشو شد. شرکت پوشاکی که او تأسیس کرده بود، به طور کامل تعطیل
شد. سپس اسکرین شات هایی از اعترافات عشقی و خصوصی به خودش از
پی شاوزه را برای لین چیانشو فرستاد. لین چیانشو به قدری عصبانی شد که
کنترل رانندگیش را بر روی پل از دست داد و پس از سقوط از پس در دریاچه
غرق شد.

بلافاصله پس از آن، چنگ شیا عمداً یک تصادف ایجاد کرد. او از یک
تحریک کننده قوی فرومون آلفا استفاده کرد تا پی شاوزه را از کنترل خارج
کند. او وانمود کرد که این یک دفاع مشروع است و پی شاوزه را با چاقو به
قتل رساند.

در آن زمان، بازیگری چنگ شیا درجه یک بود. در دوربین‌های امنیتی، به دلیل آلفای قوی، به شدت دچار وحشت شد. در حین فرار، او به طور ناخواسته یک چاقوی میوه خوری را در آشپزخانه برداشت و پی شاوزه را با ضربات چاقو به قتل رساند. بعد با گریه‌ای دلسوز و وحشت‌زده به 120 زنگ زد...

مهارت‌های بازیگری چنگ شیا بسیار خوب بود. در فیلم امنیتی چیزی کم نبود. هر دقیقه و ثانیه، عجز و وحشتش را نشان می‌داد. علاوه بر این، چنگ شیا بهترین وکیل را برای دفاع از خود پیدا کرد و شواهد زیادی به نفع خود تهیه کرد. حتی قاضی معتقد بود که این امگا به طور مشروع از خود دفاع می‌کند و چنگ شیا بی‌گناه اعلام شده است.

پی شاوزه آلفایی شد که به ناخوشایندترین شکل ممکن در تاریخ، با ضربه یک چاقوی میوه‌خوری کُند، مرد.

چنگ شیا هنگام بیرون رفتن از دادگاه یک عینک آفتابی به چشم زد. هیچ کس نمی دانست زیر آن عینک آفتابی، لبخندی مریض گونه در چشمانش وجود دارد.

رمان کامل به پایان رسید.

پی شائوزه که تمام رمان را خوانده بود: «.....»

احساس این را داشت که انگار یک بشکه بزرگ از خون سگ، روی سرش خالی شده است.

پی شائوزه رمان، اصلاً ضریب هوشی خوبی نداشت و شخصیتش به شدت ضعیف بود.

اولین مارک شدگی چنگ شیا را می توان به عنوان "تأثیر فرمون ها" توضیح داد، اما از آنجایی که او تصمیم گرفت این شخص را در کنارش نگه دارد،

باید مسئولیتش را بر عهده می‌گرفت. خوابیدن با چنگ شیبا، آن هم در حالی که در قلبش به لین چیانشو فکر می‌کرد، تقلب ذهنی نبود؟ او فقط پس از شکنجه جسمی و روحی چنگ شیبا، کشته شدن پدر و مادرش و رفتنش به خارج از کشور، متوجه شد که عاشق چنگ شیبا شده است؟ پیح! (تف)

با توجه به این واکنش‌ها و ضریب هوشی، تعجبی نداشت که چرا شرکتش ورشکست شد.

پی شائوزه وقتی رمان را می‌خواند مدام اخم می‌کرد. نمی‌دانست نویسنده، این رمان را برای انتقام از جامعه نوشته است یا نه. در غیر این صورت، چرا این همه طرح‌های درهم و برهم و ملودراماتیک وجود داشت؟

ملاقات چنگ شیبا با دو شرور پی شائوزه و لین چیانشو، یک فاجعه و بدشانسی مطلق بود. پاپوش، خیانت، زندان و شکنجه شدن توسط معشوقش را تجربه کرد. توسط کاربران اینترنتی به عنوان مزاحم و روانپزش اشتباه

گرفته شد، مورد حمله کل اینترنت قرار گرفت، عکس های برهنه او در همه جا دست به دست شد و والدینش از غم و اندوه مردند...

آیا نویسنده انتقام جویی ای علیه شخصی به نام "چنگ شیا" داشت؟ او اجازه داد که یک جوان زیبا و با استعداد شکنجه شود و دچار ضربه روحی شود تا روح و روانش به شدت تغییر کند. سرانجام او برای انتقام برگشت و حتی گونگ احمق را کشت.

این چه نوع رمان آشفته بازاری بود؟

پی شائوزه وقتی رمان را بست، سردرد داشت.

[سیستم 1022: شما خوندن رمان و به پایان رسوندید. این اولین روزیه که به

رمان منتقل شدید و هنوز تو دوره حفاظت از تازه واردها هستید.]

[یادآوری دوستانه: ماموریت بعدی مارک کردن قهرمان داستان، چنگ شیا هست.]

بدن چنگ شیا به شدت می لرزید. فرومون های او به دلایلی از کنترل خارج شده بودند و به طور غریزی آرزو داشت که توسط یک آلفا مارک شود. احساس عجیب خلاء در بدنش او را ناراحت و تقریباً دیوانه کرده بود.

بوی سرد آلفای کنارش او را معتاد کرده بود. نتوانست جلوی خودش را بگیرد و دستش را دراز کرد تا بازوی محکم آلفا را بگیرد، صدایش می لرزید. «من خیلی درد دارم... لطفا کمک کن...»

قیافه پی شاوزه کمی تغییر کرد. او به ابتدای رمان منتقل شده بود و جایگزین پی شاوزه خوار و آلفا شده بود. قهرمانی که هنوز روحش سیاه نشده بود، درست روبرویش بود.

مارکش کنم یا نه؟ این واقعا انتخاب وحشتناکیه.

مترجم: های گایزرزرز شیاشیا هستم و بازم با یه ناول جدید در خدمتونم!

به جرات میتونم بگم این ناول، یکی از بهترین ناولهای چینی و امگاورسه!

کاملا به جزئیات و شخصیت پردازیها توجه شده و اطلاعاتش درست و مفید هستن.

قشنگ معلومه که نویسنده راجب شغلها و مکانها با دقت تحقیق کرده و به محتوای ناولش اهمیت میده.

عاشقانه‌هاش کلیشه‌ای و با عجله نیست و توی زمان مناسب و به طور جذابی به هم اعتراف میکنن.

انقدر دوستش دارم که دیگه دارم نمیتونمش :)

لطفا شمام یکم باهام سرش عر بزنیید تا احساس تنها بودن نکنم. ماچ پسه کله هاتون!

آهان... لطفا اگه میخونید، برای حمایت و انگیزه دادن بهم، نظر بدید، نظر میدید به امتیازی که قراره

بدید توجه کنید!!!... آخه نظر خیلی خوب و اکلیلیه اما امتیازیه ستاره‌ست :)

هارت آدم پاره پوره میشه خا... امتیاز ناول کم شه تو سایت دیده نمیشه :)

عاشق همتونم. مرسی برای حمایتاتون قشنگا!!

ماهی انجمه

TL&Edit: Ah Xia
MyAnimes.ir